

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نوشته: فینیان کانینگهام  
فرستنده: علی کاظمی  
۱۵ فیروزی ۲۰۲۵

## به فراموشی سپردن آشویتس و جنایات امپریالیستی



حذف روسیه از مراسم رسمی بزرگداشت هشتادمین سالگرد آزادی آشویتس نه تنها شرم آور است، بلکه بسیار تیره تر و شوم تر از آن است. برای پنهان ساختن مسؤلیت بربریت امپریالیستی، تاریخ با گستاخی باز نویسی می شود.

زمانی که مرکز کشتار نازی ها در مقیاس صنعتی، یعنی آشویتس، در ۲۷ جنوری ۱۹۴۵ توسط نیروهای ارتش سرخ شوروی آزاد شد، کمتر کسی باور می کرد که تنها ۸۰ سال بعد، یاد و خاطره آزادکنندگان آن از تاریخ رسمی غربی حذف شود.

این موضوع تنها مربوط به رقابت های کوچک و حسادت بر سر دستاوردهای تاریخی نیست. نیروهای امپریالیسم در حال بازسازی چهره خود و تلاش برای کسب مجوزی برای ادامه جنگ ها و کشتارهای بیشتر هستند.

این هفته، آندژی دودا، رئیس جمهور پولند، به همراه دیگر رهبران غربی و شخصیت های برجسته، مراسم یادبودی را در محل این اردوگاه بدنام برگزار کرد؛ اردوگاهی که در آن ۳/۱ میلیون نفر – عمدتاً یهودیان – در اتاق های گاز به قتل رسیدند. برگزارکنندگان این مراسم، روسیه را از حضور در آن منع کردند و به اصطلاح "تجاوز روسیه علیه اوکراین" را به عنوان دلیل این تصمیم مطرح نمودند.

هشت دهه پیش، ارتش سرخ روسیه همه اردوگاه های مرگ نازی ها را – که همگی در سرزمین های اشغالی پولند توسط نازی ها قرار داشتند – آزاد کرد. آشویتس-بیرکناو، بلزک، خلمنو، سوبیبور و تربلینکا. نام این مکان های جهنمی همچنان وحشت و دهشت را تداعی می کند. این آزادی ها در هفته های منتهی به شکست نهائی رایش سوم هیتلر در نبرد برلین رخ داد، زمانی که ارتش سرخ در ماه مه پرچم داس و چکش را بر فراز ساختمان رایشتاگ برافراشت.

اتحاد جماهیر شوروی پیروز اصلی جنگ جهانی دوم بود و بهائی بی‌مانند برای نابودی طاعون فاشیسم در اروپا پرداخت؛ بهائی که شامل از دست دادن بیش از ۲۷ میلیون نفر از مردم آن در این نبرد حماسی بود.

بیش از ۸۰ درصد از تلفات ارتش و رماخت در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ توسط ارتش سرخ شوروی بر آن تحمیل شد، و این در حالی است که بریتانیا و ایالات متحده تا تابستان ۱۹۴۴ گشایش جبهه اروپائی خود را به تأخیر انداختند.

با این حال، پایان جنگ به معنای نابودی فاشیسم نبود، امپریالیسم سرمایه‌داری که فاشیسم را به وجود آورده بود، نیز از بین نرفت. نازیسم بدون شک نمونه افراطی امپریالیسم بود. کشتار صنعتی و انبوه کسانی که آن‌ها را "غیرانسان" می‌پنداشتند، به‌طرزی وحشتناک نظام مند و سازمان یافته بود.

امپریالیسم غرب خیلی زود پس از بزرگترین و وحشتناکترین جنگ جهانی دوباره سر برآورد. تنها پنج سال پس از آن، ارتش ایالات متحده میلیون‌ها غیرنظامی کوریائی را در جنگی که ظاهراً برای دفاع از "جهان آزاد" در برابر کمونیسم بود، قتل عام کرد. ده سال بعد، میلیون‌ها ویتنامی در نمایش شوم و بی‌رحمانه مشابهی نابود شدند.

البته، قدرت‌های غربی مهارت فوق‌العاده‌ای در اختراع تبلیغات توجیه‌کننده برای جنگ‌های بی‌شمار خود در سراسر جهان داشتند؛ جنگ‌هایی که برای سلطه‌طلبی و ایجاد نسخه‌های خودساخته‌شان از "فضای حیاتی" (\*lebensraum) به راه انداخته بودند.

دهه‌ها طول کشیده است تا جنگ جهانی دوم را تحریف و بازنویسی کنند.

اکنون ما از رهبران غربی، مانند رئیس‌جمهور پیشین امریکا، دونالد ترمپ، طرح ادعاهای نادرستی را می‌شنویم، مانند این که "روس‌ها به ما کمک کردند تا در جنگ جهانی دوم پیروز شویم". در اینجا می‌بینیم که بزرگترین پیروزی نظامی ملتی در تاریخ، به نقشی حاشیه‌ئی تقلیل یافته است و صرفاً "کمک" به حساب می‌آید.

حالا هم شاهد هستیم که پارلمان اتحادیه اروپا با اظهاراتی زننده و تحریف‌آمیز، اتحاد جماهیر شوروی را در کنار المان نازی، به‌عنوان شریک جرم در آغاز جنگ جهانی دوم معرفی می‌کند.

البته چنین تحریف تاریخی با حمایت سیاستمداران پولندی و کشورهای حوزه بالتیک ممکن شده است؛ سیاستمدارانی که با روسیه‌هراسی افراطی خود و تلاش برای پنهان کردن همدستی ملت‌هایشان در نسل‌کشی دوران نازی‌ها، به این روند دامن می‌زنند.

در شصتمین سالگرد آزادی آشویتس در سال ۲۰۰۵، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، بدرستی جایگاهی برجسته در این مراسم داشت. در سال ۲۰۲۰ نیز، در هفتاد و پنجمین سالگرد، از رهبر روسیه تجلیل شد.

اما در هشتادمین سالگرد این روز تاریخی، تمامی نمایندگان رسمی روسیه از حضور منع شدند. چگونه ممکن است مراسمی برای گرامی‌داشت آزادی آشویتس برگزار شود، اما به ملت روسیه که نه‌تنها این اردوگاه، بلکه تمام اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها را آزاد کردند، ادای احترام نشود؟

پاسخ ساده این است که تبلیغات امپریالیستی غرب – که با عناوین فریبنده‌ای مانند "رسانه‌های خبری"، "مخافل دانشگاهی" و "اندیشکده‌ها" نام گذاری شده اند – نقش روسیه را در جنگ ساختگی اوکراین عمیقاً شیطانی و اهریمنی جلوه داده اند. جنگی واقعاً نیابتی که ایالات متحده و شرکای امپریالیستی غربی آن در ائتلاف نظامی ناتو برای شکست ستراتیژیک روسیه به راه انداخته‌اند.

این که روسیه به‌عنوان متجاوز در اوکراین معرفی می‌شود، وارونه جلوه دادن حقیقت است. اما چنین دروغی باید ساخته شود تا علت واقعی تجاوز و بریریت پنهان بماند.

گسترش امپریالیسم ایالات متحده پس از سال ۱۹۴۵، همراه با متحدان ناتوئی‌اش، جانشینی برای امپریالیسم نازی به شمار می‌رود. جنگ‌های بی‌پایانی که آمریکا و همپیمانان غربی‌اش در سراسر جهان به راه انداخته‌اند، تاکنون جان ۲۰ تا ۳۰ میلیون انسان را گرفته است.

نسل‌کشی حمایت‌شده توسط آمریکا در غزه، تنها یکی از جلوه‌های آشکار بربریت امپریالیسم غرب و ماهیت فاشیستی آن است. فاجعه‌ای که در آن، دولتی به اصطلاح یهودی، با پوشاندن خود در لایه‌ای از خاطره موج‌هولوکاست، همان وحشتی را بر دیگرانی که آن‌ها را "غیرانسان" می‌پندارد، تحمیل می‌کند.

حمایت از رژیم نئونازی در کیف با صدها میلیارد دلار، نمونه دیگری از عملکرد ماشین جنگی جنایتکارانه‌ای است که امپریالیسم غرب، تحت هدایت ایالات متحده، در جریان است.

زمانی که مقامات امریکائی و اروپائی در آشویتس گرد هم می‌آیند و با ادعای حفظ خاطره قربانیان، سخنان پرطمطراقی ایراد می‌کنند، در واقع تمام تلاش خود را می‌کنند تا آشویتس و حقیقت تلخ امپریالیسم را به فراموشی بسپارند.

این نه تنها توهینی آشکار به مردم روسیه است، بلکه از آن نگران‌کننده‌تر، حرکتی است که نشان می‌دهد امپریالیسم نسل‌کش بار دیگر در جهان قدرت گرفته است. البته به شکلی جنون‌آمیز و متناقض، در حالی که به ظاهر از یادآوری قربانیان نسل‌کشی سخن می‌گویند، خود در حال بازآفرینی همان وحشت اند.

منبع: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک- ۲۸ جنوری ۲۰۲۵

<https://strategic-culture.su/news/2025/01/28/forgetting-auschwitz-and-imperialist-crimes/>

”**Lebensraum**“ \* یک واژه المانی به معنای “**فضای حیاتی**” است که در ایدئولوژی نازی‌ها مفهومی کلیدی داشت. این اصطلاح در سیاست‌های المان نازی به معنای ایجاد فضای جغرافیائی بیشتر برای گسترش ملت المان و تأمین منابع و امکانات برای رشد آن‌ها به کار می‌رفت.

هیتلر و دیگر ایدئولوگ‌های نازی معتقد بودند که ملت المان برای بقای خود نیازمند گسترش به سمت شرق اروپا است، به‌ویژه به مناطقی که تحت اشغال کشورهای اسلاوی مانند پولند و اتحاد جماهیر شوروی بودند. این مفهوم توجیهی برای حملات نظامی، اشغال سرزمین‌ها و سیاست‌های نسل‌کشی نازی‌ها و علیه مردمان غیرالمانی به دست می‌داد.

در این زمینه، ”**lebensraum**“ فراتر از یک نیاز جغرافیائی بود؛ این مفهوم با ایدئولوژی نژادپرستانه نازی‌ها گره خورده بود که مردم غیرآریائی، به‌ویژه یهودیان و اسلاوها، را غیرانسان و مانعی برای تحقق “فضای حیاتی” المانی‌ها می‌دانستند.